

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۸/۰۲

لعن و نفرین «معاویة بن ابوسفیان» در لسان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشا دردی که درمانش حسین است

خوشا راهی که پایانش حسین است

بود فرمانروای کشور دل

خوش آن کشور که سلطانش حسین است

«السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

فرازهایی از زیارت عاشورا

سلام و درود خدمت شما دوستان خوب بیننده، خانم‌ها و آقایان محترم و خواهران و برادران ایمانی خودم.

هرکجا برنامه ما را می‌بینید و صدای ما را می‌شنوید و با «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین»

همراه هستید، بهترین‌ها را برای شما آرزومندم.

امیدوارم زیر سایه قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت و زیر سایه مرتضی علی (علیه السلام) زندگی‌تان پر از نور و معنویت و شادکامی باشد.

امشب هم به خانه‌های شما آمدم. اما مهم این است که شما ارتباطتان را با ما برقرار کنید. عزیزانی که همیشه سر کلاس درس «حبل المتین» و ولایت مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) حاضر هستند، حضری خودشان را از راه‌های ارتباطی به ما اعلام کنند.

آقای کیا کارگردان خوب ما زحمت کشیدند سامانه پیام کوتاه ما «۳۰۰۰۱۲۰۳» و همچنین شماره تلفنی که از طریق فضای مجازی می‌توانید با ما در ارتباط باشید را برای شما زیرنویس کردند.

اگر می‌خواهید عشق و ارادت و محبتتان به ساحت نازنین آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، وجود نازنین سیدالشهدا (علیه السلام) و اهل بیت عصمت و طهارت را نشان بدهید، راه‌های ارتباطی برای شما مهیاست.

همچنین اگر در خصوص موضوع برنامه که تا دقایق دیگر خدمت شما عرض خواهم کرد سؤال دارید، می‌توانید از طریق این راه‌های ارتباطی برای ما بفرستید تا من ان‌شاءالله با همکاری خوب دوستانم در اتاق فرمان پیام‌های شما را در طول برنامه بخوانم.

قرار است که بخشی از زمان برنامه به تلفن‌های شما اختصاص پیدا کند؛ ان‌شاءالله شرایط مهیا بشود تا ما صدای گرم شما را بشنویم، سؤالات خودتان را با افتخار مطرح کنید تا پاسخگوی سؤالات شما باشیم.

اگر در ذهن شریفتان باشد، در برنامه‌های گذشته ما در خصوص نقش معاویه در شهادت امام حسین (علیه السلام) صحبت کردیم. از اول ماه محرم با جناب استاد این بحث را شروع کردیم و نهایتاً به شخصیت معاویه رسیدیم.

لازم است شما دوستان خوب بیننده اعم از عزیزان شیعه و اهل سنت ما اطلاعات و آگاهی مناسبی نسبت به این موضوع پیدا کنیم.

بنابراین در این یک ساعت و نیم که خدمت شما هستیم، در برنامه زنده «جبل المتین» از «شبکه جهانی ولایت» ما را همراهی بفرمایید. سلام عرض می‌کنم محضر استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هر کجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار داده‌اند خالصانه‌ترین سلام را همراه همراه با آرزوی موفقیت روزافزون تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولايمان بقية الله الأعظم نزدیک نموده و با آمدنش بساط ظلم و ستم استبداد برچیده شود، حق و حقیقت و عدالت در سراسر گیتی گسترده شود.

ان‌شاءالله خداوند متعال ما را هم از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد، حوائج همه ما و شما گرامیان را برآورده کند، دعاهای ما را به اجابت برساند؛ ان‌شاءالله.

مجری:

ان‌شاءالله، خیلی متشکرم. من همین ابتدای برنامه عرض کنم که به هر صورت همیشه شعار ما و در رفتار و عمل و گفتار ما در «شبکه جهانی ولایت» این بوده که ما باید به مقدسات اهل سنت احترام بگذاریم و نباید به مقدسات اهل سنت توهین و جسارت کنیم.

مراجع معظم ما و همچنین مقام معظم رهبری همیشه این توصیه و سفارش را داشتند و ما هم تلاشمان بر این است که نسب به این مسائل توجه داشته باشیم و این مسائل را رعایت کنیم.

طرح مسائل علمی و گفتن بعضی از واقعیات تاریخ هیچ منافاتی با وحدت ندارد و با طرح این مسائل هیچ قصد توهین و جسارتی به مقدسات اهل سنت نداریم.

گاهی مواقع زمانی که بحث معاویه مطرح می‌شود، بعضی افراد یک مقدار تعصب بی‌جا به خرج می‌دهند؛ والا اکثر اهل سنت نگاهشان نسبت به معاویه کاملاً روشن و مشخص است.

لعن و نفرین صریح پیامبر اکرم بر «معاویه»!

استاد شما در برنامه‌های گذشته مطالبی را فرمودید؛ اما من می‌خواهم سؤالی را مطرح کنم که هفته گذشته می‌خواستم بپرسم و مطرح نشد. آیا به صراحت در منابع اهل سنت لعن معاویه از سوی وجود نازنین رسول گرامی اسلام مطلبی یا کلامی نقل شده است یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

ابتدائاً عرض می‌کنم که ما به مقدسات اهل سنت احترام می‌گذاریم؛ فرمایش آیت الله العظمی سیستانی ملاک ما هست که فرمودند:

«لا تقولوا اخواننا اهل السنة، بل قولوا أنفسنا اهل السنة»

نگویید برادران اهل سنت، بلکه بگویید عزیزان اهل سنت!

عرض کردم که بنده دو هفته قبل از محرم در نجف اشرف خدمت ایشان بودم، یکی دو مرتبه گفتند که شیعیان به نزد ایشان می‌روند و ایشان این حرف را به آنان می‌زنند. به بیان بهتر ایشان این حرف را نزد شیعیان می‌زنند، نه اهل سنت!

ما دیروز با داماد بزرگوارشان جناب آقای شهرستانی دیداری داشتیم، ایشان هم تأکید داشتند که در شبکه بگویید که آیت الله العظمی سیستانی این حرف را نزد شیعیان بیان می‌کنند، نه اهل سنت! برادران اهل سنت نگویند، بلکه عزیزان اهل سنت بگویید! لذا ما برای مقدسات و نمادهای اهل سنت احترام قائل هستیم و در او هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

همچنین بارها هم گفتیم اگر به صورت ناخودآگاه یا اشتبهاً بی‌توجهی به مقدسات اهل سنت در این شبکه شده باشد، پیشاپیش از همه پوزش می‌طلبیم، اما شخص «معاویه» را جزو مقدسات نمی‌دانیم!

همان طوری که عزیزان اهل سنت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را به عنوان خلیفه چهارم قبول دارند و سخن او برای آنان محترم و حجت است، ما هم عباراتی از رسول گرامی اسلام و همچنین بزرگان اهل سنت داریم که نشانگر این است که معاویه اصلاً اسلام نیاورده است!!

در جلسات قبل هم مطرح شد که امیرالمؤمنین در نامه ۱۶ نهج البلاغه دارند که:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَشْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ»

معاویه و یارانش اصلاً اسلام نیاوردند، تظاهر به اسلام کردند و کفر خودشان را مخفی کردند.

نهج البلاغه؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴

ما در این زمینه به طور مفصل صحبت کردیم؛ ان شاء الله باز هم در جلسات آتی به حول قوه الهی صحبت خواهیم کرد.

در رابطه با سؤال حضرتعالی مبنی بر اینکه آیا لعن صریح از جانب رسول گرامی اسلام خطاب به معاویه وارد شده است یا نه، در کتاب «المختصر فی أخبار البشر» اثر «ابوالفداء» متوفای ۷۳۲ هجری که یکی از کتب معتبر عزیزان اهل سنت است. در جلد دوم این کتاب صفحه ۵۷ در رابطه با شجره ملعونه به صراحت بیان می‌کند:

«اتفق المفسرون أنه أراد بها بنی أمیة»

ما در هفته گذشته هم گفتیم آقایان اتفاق نظر دارند که مراد از شجره ملعونه در قرآن بنی امیه هستند. سپس ایشان می‌گویند:

«ورأى النبي صلى الله عليه وسلم أبا سفيان مقبلاً ومعاوية يقوده، ويزيد أخو معاوية يسوق به»

روزی پیغمبر اکرم مشاهده کردند که ابوسفیان سوار بر مرکبی می‌آید و پسرش معاویه جلوی اوست، یزید پسر دیگر ابوسفیان هم پشت سر آنان حرکت می‌کند.

در تاریخ دو یزید وجود دارد که گاهی اوقات آقایان این دو را با هم اشتباه می‌کنند. معاویه هم دو نفر هستند که یکی از آنها معاویه پسر ابو سفیان و دیگری معاویه پسر یزید هست.

لازم به ذکر است در زمان خلیفه اول که شام فتح شد، یزید پسر ابوسفیان حاکم شد. در سال ۱۷ یا ۱۸ مرض طاعون آمد و یزید برادر معاویه کشته شد، به دستور خلیفه دوم معاویه به عنوان حاکم شامات نصب شد!

بنابراین ابوالفداء نقل کرده است که ابوسفیان داشت می‌آمد که یک پسر او در جلوی مرکب و پسر دیگر او هم در عقب مرکب حرکت او بود. زمانی که رسول گرامی اسلام این صحنه را مشاهده کردند، فرمودند:

«لعن الله القائد والراكب والسائق»

خدا لعنت کند کسی که در بالای شتر است، کسی که در جلوی شتر است و کسی که در پشت سر شتر است.

المختصر في أخبار البشر، المؤلف: أبو الفداء عماد الدين إسماعيل بن علي (المتوفى: ٧٣٢ هـ)، الناشر: المطبعة

الحسينية المصرية، الطبعة: الأولى، ج ٢، ص ٥٧، باب خلافة أبي العباس

مطالب دیگری هم در این زمینه وجود دارد که به حول و قوه الهی ان شاء الله در جلسات بعدی عرض خواهیم کرد.

همچنین در کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» جلد اول صفحه ۱۱۳ می‌گوید:

«فمر رجل علی بعیر»

او به جهت آبروداری اسم ابوسفیان و معاویه و یزید را از این روایت حذف کرده است. و به جایش لفظ «رجل» را ذکر کرده است.

«كان جالسا فمر رجل علی بعیر و بین یدیه قائد و خلفه سائق فقال لعن الله القائد والسائق والراكب»

ابوسفیان به همراه دو پسرش که در جلوی مرکب و پشت مرکب بودند، می‌رفت. رسول گرامی اسلام فرمودند: خدا کسی که سوار بر مرکب است، کسی که در جلوی مرکب است و کسی که در پشت مرکب است را لعنت کند.

بعد از نقل روایت هم می‌گوید:

«رواه البزار ورجاله ثقات»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب

العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱۳، باب منه فی المنافقین

در ادامه روایت هم بیان شده است که سند روایت صحیح است تا کسی نگوید که شما روایت دروغ نقل می‌کنید.

از ابتدا هم روایت را مشاهده کنید تا نگویند که شما تقطیع کردید.

همچنین «طبری» هم در کتاب «تاریخ الطبری» جلد هشتم این روایت را با تحقیق «محمد ابوالفضل ابراهیم» می‌آورد. تعبیر ایشان این است:

«ومعاوية يقود به ويزيد ابنة يسوق به»

سپس می‌گوید:

«لعن الله القائد والراكب والسائق»

سپس ایشان بحث‌های دیگری می‌آورد مبنی بر اینکه دلیل کفر ابوسفیان این است که وقتی عثمان خلافت را به دست گرفت، گفت:

«يا بني عبد مناف تلقفوها تلقف الكرة»

ای پسر عبد مناف حکومت اسلامی را همانند توپ فوتبال به هم پاس بدهید.

منظور او از این تعبیر این است که نگذارید حکومت از دست شما خارج شود و به دیگران برسد

«فما هناك جنة ولا نار»

اصلاً نه بهشتی وجود دارد و نه جهنمی،

«وهذا كفر صراح يلحقه به اللعنة من الله كما لحقت الذين كفروا من بني إسرائيل»

این قسمت از روایت کفر صریح است که لعنت خداوند متعال هم همواره شامل حال کفار می‌شود، کما اینکه:

«الذين كفروا من بني إسرائيل على لسان داود وعيسى ابن مريم» آنها هم مورد لعن قرار گرفتند.

همچنین در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» جلد سوم، در اینجا هم همین تعبیر وارد شده است که:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ السَّائِقَ وَالرَّكَبَ أَحَدُهُمَا فَلَانَ قَالَا اللَّهُمَّ نَعَمْ»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل

- ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفى، ج ۳، ص ۷۱، ح ۲۶۹۸

این روایت از ما نیست، بلکه در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» است که یکی از کتب تقریباً معتبر اهل سنت است. همچنین در کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» این مطلب را در جلد پنجم صفحه ۱۲۹ بیان می‌کند و می‌نویسد:

«فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَعَنَ اللَّهُ الْخَامِلُ وَالْمَحْمُولُ وَالْقَائِدُ وَالسَّائِقُ»

جمل من أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذري (المتوفى: ۲۷۹ هـ)، تحقيق: سهيل

زكار ورياض الزركلى، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج ۵، ص ۱۲۹، ح ۳۷۲

این کتب، دیگر کتب شیعیان نیست، بلکه کتبی است که مربوط به عزیزان اهل سنت است. جالب اینجاست که جناب آقای «ابوبکر احمد بن هارون خلال» متوفای ۳۱۱ هجری از علمای بزرگ اهل سنت است و کتاب «السنة» ایشان هم یکی از کتب معتبر اهل سنت است.

ایشان در جلد سوم این کتاب در صفحه ۵۰۴ روایتی را در رابطه با «عبيدالله بن موسى» نقل می‌کند و می‌نویسد:

«فقال كوفي فقلت فكيف هو قال كما شاء الله»

السنة، المؤلف: أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد خلال أبو بكر، الناشر: دار الراية - الرياض، الطبعة الأولى،

۱۴۱۰، تحقيق: د. عطية الزهراني، ج ۳، ص ۵۰۴، ح ۸۰۷

در ادامه «احمد بن حنبل» می‌گوید: من خیلی خوشم نمی‌آید از ایشان روایت نقل کنم، زیرا یک سری احادیثی که در مورد تنقیص اصحاب رسول الله هست را ایشان نقل کرده است.

جناب آقای «احمد بن حنبل»! اگر قرار باشد که ما مطلبی در مورد تنقیص اصحاب رسول الله را نقل نکنیم، باید خیلی از آیات قرآن کریم را کنار بگذاریم و آیه شریفه:

(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا)

اگر فاسقی خبری برایتان آورد تحقیق کنید،

سوره حجرات (۴۹): آیه ۶

را از قرآن کریم کنار بگذاریم، زیرا در مورد اصحاب پیغمبر اکرم است. همچنین آیه شریفه:

(وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْا قَائِمًا)

و چون در بین نماز از تجارت و لهوی با خبر می‌شوند به سوی آن متفرق گشته تو را در حال خطبه سر پا رها می‌کنند،

سوره جمعه (۶۲): آیه ۱۱

همچنین ده‌ها آیه‌ای که در مذمت صحابه آمده است را باید کنار بگذاریم. ما به طور مفصل بیان کردیم و ان‌شاءالله به طور مفصل سر فرصت هم بیان خواهیم کرد که با بیان احمد بن حنبل، تمام آیاتی که در ذم صحابه است را باید کنار بگذاریم!!

این مسئله به چند حدیث ختم نمی‌شود و احادیث دیگری از جمله حدیث قرطاس در مورد ذم صحابه است که اگر چنین عقیده‌ای داشته باشید، باید این حدیث را از کتاب «صحیح بخاری» حذف کنید.

همین در رابطه با تعبیر زشتی که در «حجة الوداع» نسبت به رسول گرامی اسلام بیان کردند را باید از کتب خودشان کنار بگذارند که عایشه در این زمینه می‌گوید:

«من أَعْضَبَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ»

چه کسی شما را به غضب آورده است خدا او را وارد آتش جهنم کند،

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۸۷۹، ح ۱۲۱۱

این روایت در مورد صحابه است!! اگر بنا باشد هر حدیثی که تنقیص اصحاب پیغمبر اکرم است را کنار بگذاریم، باید بسیاری از آیات و روایات از کتب صحیحین کنار گذاشته شوند.

بنده بارها گفتم یکی از مشکلات اساسی که باید با عزیزان اهل سنت دوستانه حل کنیم، بحث این است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»

من دو چیز گرانبها در نزد شما به امانت می‌گذارم که یکی کتاب خدا و دیگری اهلبیتم هستند،

«وَ إِيَّاهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَمْ تَضِلُّوا»

این دو امانت از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر به دست من برسند و اگر به این دو تمسک کنید گمراه نخواهید شد.

آقایان این حدیث را تحریف کردند و به جای «كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عِثْرَتِي» عبارت «کتاب الله و سنتی» را بیان کردند. با اینکه «حاکم نیشابوری» این روایت را تضعیف می‌کند و جناب آقای «سقاف» می‌گوید که بنی امیه این روایت را جعل کردند و در برابر حدیث ثقلین قرار دادند!

بر فرض که اصلاً درست باشد؛ اگر ما بخواهیم سنت پیغمبر اکرم را بگیریم، اگر از اهل بیت عصمت و طهارت بگیریم بهتر است یا از غیر اهل بیت (علیهم السلام) بگیریم؟!

آیا سنت را از علی بن ابی طالب که از اول کودکی تا آخرین لحظه حیات رسول گرامی اسلام در دامن پیغمبر اکرم بزرگ شده است بگیریم بهتر است، یا از «ابوهزیره» بگیریم که به صراحت می‌گوید: "روایات را از کیسه خودم آوردم"؟!

در روایت دیگری «ابوهزیره» به عایشه می‌گوید: مهاجرین و انصار همگی مشغول کارهای دنیوی بودند و تنها من با رسول گرامی اسلام بودم!! او هجده ماه بیشتر با رسول گرامی اسلام نبود که از او حدود ۵۹۰۰ روایت نقل شده است.

آیا سنت را از حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن، امام حسین، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) بگیریم بهتر نیست؟! این بزرگواران اهل بیت رسول گرامی اسلام هستند.

خاندان عصمت و طهارت دشمنان زیادی داشتند؛ دشمنان از هر طریقی تلاش کردند تا نقطه ضعفی از این بزرگواران پیدا کنند، ولی نتوانستند. آیا بهتر است که سنت رسول گرامی اسلام از خاندان عصمت و طهارت نقل شود یا از غیر این بزرگواران؟!

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: "هر روایتی را ما برای شما نقل می‌کنیم، چه سند این روایت را بیاوریم یا نیاوریم این روایت را از پدرم امام باقر، ایشان از پدرشان امام زین العابدین، ایشان از پدرشان امام حسین و ایشان هم از پدرشان علی بن ابی طالب و ایشان از رسول گرامی اسلام نقل کرده اند."

اهلبیت عصمت و طهارت هم غیر از سنت پیغمبر اکرم مطلبی نقل نمی‌کنند. اینکه ما بیاییم اهلبیت عصمت و طهارت را کنار بزنیم و صحابه را در برابر آنان قرار بدهیم، مقداری کم مه‌ری نسبت به اهلبیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است.

بنی امیه ۱۸ سال با اسلام و رسول گرامی اسلام جنگیدند و آمدند صحابه را ملاک قرار دادند برای اینکه اهلبیت عصمت و طهارت را کنار بزنند؛ و این سنت سیئه هم تا به حال باقی مانده است!!

لذا لازم است که ما بیاییم اهلبیت را با قرآن کریم و صحابه را هم با قرآن کریم مقایسه کنیم؛ اهلبیت را با سنت پیغمبر اکرم و صحابه را هم با سنت پیغمبر اکرم مقایسه کنیم.

ما عرض کردیم توهین به مقدسات اهل سنت را گناهی نابخشودنی می‌دانیم، اما بحث‌های علمی دوستانه را هم ضروری می‌دانیم؛ زیرا بسیاری از افراد هستند که نیاز به بیدار شدن دارند!

یکی از دوستان ما که از روستاهای شرق کشور است و چندی قبل شیعه شده است؛ ما دلیل شیعه شدنش را پرسیدیم و او گفت: "من سواد آن‌چنانی ندارم، اما یک شب مشاهده کردم که آقایان «سجودی» و «شریفی» در «شبکه کلمه» در مورد مهدویت بحث می‌کنند. من دیدم آقای «شریفی» از کتب ما اهل سنت مطالبی را آورد که آقای «سجودی» نتوانست جواب بدهد. با خود فکر کردم زمانی که کارشناسان ما نمی‌توانند به یک بیننده معمولی جواب بدهد، برایم یقین حاصل شد که مذهب شیعه حق است و لذا شیعه شدم!!"

گاهی اوقات ما به دنبال سنی کردن شیعه و شیعه کردن سنی هم نیستیم و از این قضایا هم خوشحال نمی‌شویم. اگر تمام کره زمین شیعه شوند برای ما فرقی نمی‌کند، اگر تمام کره زمین هم وهابی، مسیحی یا اهل سنت شوند هم، هیچ فرقی برای ما نمی‌کند!

آنچه برای ما مهم است روشنگری و بصیرت افزایی است که وظیفه ماست؛

(وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين)

و ما به جز رساندن پیام او به طور آشکار وظیفه دیگری نداریم،

سوره یس (۳۶): آیه ۱۷

رسول گرامی اسلام وظیفه ابلاغ احکام الهی را بر عهده داشتند. ما هم می‌خواهیم این احکام الهی و تاریخ صحیحی که اتفاق افتاده است و بنی امیه این تاریخ صحیح را واژگون کردند و وارونه نوشتند و به مردم نشان دادند را افشا کنیم!!

هرچه می‌آوریم از کتب اهل سنت است و تلاش می‌کنیم روایات را بررسی سندی هم کنیم. در پاورقی حدیث ۸۰۷ که از کتاب «السنة» اثر «خلال» بیان کردیم، «إسناده صحیح» بیان شده است. این مسئله به این معناست که سندی که «عبدالله بن موسی العبسی» از «احمد» و او از «مهنی» و او از «محمد بن علی» نقل کرده است صحیح است؛ بنابراین روایت صحیح است.

ایشان سپس در صفحه بعد، از «عبدالله بن موسی» نقل می‌کند که می‌گوید: ما در راه داشتیم می‌رفتیم:

«فحدث فی الطريق فمر حدیث لمعاویة فلعن معاویة ولعن من لا یلعنه»

ما در راه می‌رفتیم و حدیث معاویة را می‌خواندیم، معاویة را لعن می‌کردیم و هرکسی که او را لعنت نمی‌کند هم لعنت کردیم.

ما چنین چیزی نمی‌گوییم، چنین ادعا و درخواستی هم نداریم؛ اما این مطالب از کتب اهل سنت است. سپس می‌گوید:

«حدثنی منذ أيام رجل من أصحابنا أرجو أن یکون صدوقا»

بعد از گذشت مدتی یکی از دوستان که من او را راستگو می‌دانم، برای من نقل کرد

«أنه كان معه في طريق مكة فحدث بحديث لعن فيه معاوية»

در راه مکه حدیثی آوردند که رسول الله معاویه را لعنت کرده است،

«فقال نعم لعنه الله ولعن من لا يلعنه»

گفت بله خدا او را لعنت کند و کسی هم که او را لعنت نمی‌کند لعنت کند.

«إسناده حسن»

السنة، المؤلف: أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الخلال أبو بكر، الناشر: دار الراية - الرياض، الطبعة الأولى،

١٤١٠، تحقيق: د. عطية الزهراني، ج ٣، ص ٥٠٥، ح ٨٠٨

این روایت کاملاً واضح و روشن است.

سؤال: آیا «عبید الله بن موسی» مورد وثوق است؟

پاسخ: در رابطه با آقای «عبیدالله بن موسی» که عزیزان مطالبی را آوردند، دقت کنید که «عبیدالله بن موسی»

مسئله‌ساز شده است.

در کتاب «میزان الاعتدال فی نقد الرجال» جلد پنجم اثر آقای «ذهبی» وارد شده است که در مورد «عبیدالله بن

موسی» می‌گوید:

«عبید الله بن موسی (ع) العیسی الكوفی شیخ البخاری»

عبیدالله بن موسی العیسی کوفی استاد بخاری بوده است،

بنابراین شخصی که می‌گوید: "خدا معاویه را لعنت کند و کسی که معاویه را لعنت نکرده هم لعنت کند"، استاد «بخاری» بوده است و شخصی معمولی نیست.

«ثقة فى نفسه لكنه شيعى متحرق»

خود او هم شخصی ثقه است، اما شیعه داغ است.

اگر او شیعه تندرویی هست، چطور «بخاری» او را به عنوان استاد قبول کرده است و «ذهبی» هم او را «ثقة فى نفسه» خوانده است؟!

«أبو نعیم اتقن منه»

ابونعیم اتقن از او است،

«أبو داود کان شیعیا متحرقا»

ابو داود هم شیعه تندرویی است،

در نهایت از طرف دیگر می‌گوید:

«وکان ذا زهد وعبادة وإتقان»

او هم شخص زاهدی بوده است، هم شخص عابدی بوده است و هم در روایت شخص متقن دقیق و محکمی بوده است.

میزان الاعتدال فى نقد الرجال، شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، سنة الولادة / سنة الوفاة ٧٤٨، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، الناشر دار الکتب العلمیة، سنة النشر ١٩٩٥، مکان

النشر بیروت، ج ٥، ص ٢١، ح ٥٤٠٥

در کتب دیگر هم آقایان به طور مفصل مطالبی در مورد ایشان بیان کرده‌اند. بنابراین در اینکه این شخص مورد وثوق و متقن است، هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

جالب است که در کتاب «تهذیب التهذیب» جلد هفتم اثر «ابن حجر عسقلانی» در مورد «عبیدالله بن موسی» وارد شده است:

«ع الستة عبید الله بن موسی بن أبی المختار»

«ع» به معنای این است که این شخص از رجال صحاح سته است؛ بدین مفهوم که هم راوی «صحیح بخاری» است، هم راوی «صحیح مسلم» است، هم راوی چهار کتب دیگر است! کلمه «ع» هرجایی که در رجال آقای «ابن حجر» می‌آید، به معنای این است که این شخص از رجال سته است؛ حال چه مناسبتی داشته است، کاری به آن نداریم.

سپس می‌گوید: زمانی از «احمد بن حنبل» در مورد «عبیدالله بن موسی» سؤال کردند، او گفت:

«صاحب تخیط وحدث بأحادیث سوء قیل له»

صاحب تخیط است و احادیث بدی نقل کرده است،

«فابن فضیل قال کان أستر منه»

اما ابن فضیل گفت او گاهی پرده پوشی می‌کرد،

سپس می‌گوید:

«سألت بن معین عنه فقال أکتب عنه»

از ابن معین در مورد او سؤال کردم و او گفت که از او روایت بنویس،

«وقال بن أبي خيثمة عن بن معين ثقة»

ابن ابی خثیمه از ابن معین می‌گوید که او ثقه است،

«وقال أبو حاتم صدوق ثقة حسن الحديث»

در ادامه می‌نویسد:

«وقال العجلي ثقة وكان عالماً بالقرآن رأساً فيه»

عجلی می‌گوید این شخص ثقه است زیرا عالم به قرآن و سردسته علمای قرآن بوده است.

تهذيب التهذيب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار الفكر -

بيروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۷، ص ۴۷، ح ۹۷

این مطالب همگی تعریف و توصیفی است که نسبت به «عبداللہ بن موسی» از «ذهبی» و «ابن حجر» بیان

شده است؛ بنابراین او شخصی ثقه است، اما با این حال بیان می‌کنند که او بی‌پرده صحبت می‌کرده است و به

همین جهت او را شیعه تندرو خطاب می‌کنند!

من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

خیلی متشکرم. چند دقیقه‌ای از وقتی که می‌خواهیم بحث کارشناسی داشته باشیم باقی مانده است.

ذکر روایاتی از کتب معتبر اهل سنت؛ مبنی بر کفر معاویه!!

استاد! قبل از اینکه من بحث لعن معاویه را که به صراحت توسط نبی گرامی اسلام مطرح شده است را عرض

کنم، اشاره‌ای داشتید به اینکه یکی از مباحث بسیار مهمی که باید به آن بپردازیم و فراتر از این است که درواقع

اصلاً صحابه مطرح شود؛ موضوع «کفر معاویه» است. یعنی در حقیقت معاویه اصلاً اسلام را نپذیرفته است!!
می‌توانید در این مورد مقداری توضیح بفرمایید؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این زمینه من چند نکته را خدمت عزیزان عرض کنم. در کتاب «مسائل امام أحمد بن حنبل» به روایت «اسحاق بن ابراهیم نیشابوری» متوفای ۲۷۵ موجود است. ایشان مباحثی را در اینجا می‌آورد تا جایی که از «علی بن جعد» نقل می‌کند:

«سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْجَعْدِ يَقُولُ: مَاتَ وَاللَّهِ مُعَاوِيَةَ عَلِيٍّ غَيْرِ الْإِسْلَامِ»

از علی بن جعد شنیدم که می‌گفت: به خدا قسم معاویه با دین اسلام از دنیا نرفت.

مسائل الإمام أحمد بن حنبل، إسحاق بن إبراهيم بن هانئ النيسابوري (المتوفى ۲۷۵ هـ)، ص ۴۰۸، ج ۱۸۶۶،
الناشر: دارالتأصيل + دار المودة، المحقق: أحمد بن سالم المصري

این روایت بد یا خوب در منابع عزیزان اهل سنت است. همچنین در کتاب «أنساب الاشراف» اثر «بلاذری» جلد پنجم روایتی از «اسحاق بکر بن هیثم» و او از «عبدالرزاق بن همام» صاحب «المصنف» و او از «معممر» و او از «ابن طاووس» نقل کرده است. او می‌گوید:

«كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الْفَجِّ رَجُلٌ يَمُوتُ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي،»

نزد رسول گرامی اسلام بودیم که فرمودند: الان از این در مردی وارد می‌شود که بر غیر ملت من می‌میرد.

«قَالَ: وَكُنْتُ تَرَكْتُ أَبِي قَدْ وُضِعَ لَهُ وَضُوءٌ، فَكُنْتُ كَحَابِسِ الْبُولِ مَخَافَةَ أَنْ يَجِيءَ،»

راوی می‌گوید: من پدرم را ترک کردم که برای وضو گرفتن برود. خودم احتیاج شدیدی به دستشویی داشتم، اما از ترس اینکه نبینم این شخص چه کسی است، خود را حبس کردم.

«قَالَ: فَطَلَعَ مُعَاوِيَةَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هُوَ هَذَا»

راوی در ادامه می‌گوید: معاویه وارد شد و رسول گرامی اسلام فرمودند: شخصی که گفتم بر غیر ملت من از دنیا می‌رود همین شخص است.

جمل من أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذري (المتوفى: ۲۷۹ هـ)، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج ۵، ص ۱۲۶، ح ۳۶۲

این روایت در کتب شیعه نیست، بلکه در کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» وارد شده است. شاید آقایان ادعا کنند که سند این روایت مشکل دارد، به همین جهت چند مورد را خلاصه‌وار مطرح می‌کنم تا آقایان ادعا نکنند که ما روایات ضعیف را بیان می‌کنیم.

بررسی سند روایت کفر معاویه!

زمانی که این آقایان از کتب شیعه روایت نقل می‌کنند، می‌گویند: "بررسی سندی لازم نیست، همین که در کتاب «کافی» وارد شده است مسئله تمام است!"؛ اما زمانی که ما از کتب اهل سنت روایت نقل می‌کنیم، بلافاصله می‌گویند: "تمام این روایات جعلی است!"

ما باید دلیلی بر جعلی بودن یا صحیح بودن روایت داشته باشیم!! آنچه محرز است، این است که آقایان در غیر از حلال و حرام می‌گویند: "روایات ضعیف هم برای ما حجت است" و اصلاً در مباحث تاریخی و تفسیری بررسی سندی هم لازم نیست؛ اما ما بررسی می‌کنیم.

در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد دوازدهم در رابطه با «اسحاق بن منصور» اولین راوی این روایت، می‌نویسد:

« الإمام الفقيه الحافظ الحجة أبو يعقوب إسحاق بن منصور... قال مسلم هو ثقة مأمون وقال النسائي ثقة... مات إسحاق بن منصور بن بهرام أبو يعقوب الكوسج بنيسابور يوم الخميس، ودفن يوم الجمعة لعشر بقين من جمادى الاولى سنة إحدى وخمسين ومئتين»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٣، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسى، ج ١٢، ص ٢٥٨ - ٢٦٠، باب ٩٨ الكوسج خ م س ت ق

در این روایت وارد شده است که «اسحاق بن منصور» هم مورد وثوق است و هم انسان متقنی است. راوی بعد آقای «عبدالرزاق بن همام» است. در همین کتاب «سير أعلام النبلاء» جلد ١٣ صفحه ٣٥٤ وارد شده است:

«ثقة حافظ مصنف شهير»

این شخص استاد آقای «بخاری» بوده است. «عبدالرزاق بن همام» یکی از راویان صحاح سته است. جالب است که بعضی افراد گفتند که «عبدالرزاق صنعانی» شیعه است. «ذهبی» در کتاب «تذكرة الحفاظ» جلد اول در این مورد حرف زیبایی دارد. او می‌گوید:

«وثقه غير واحد وحديثه مخرج في الصحاح وله ما ينفرد به»

عبدالرزاق صنعانی را افراد متعددی توثیق کردند و حدیث او در صحاح سته هم موجود است،

«ونقموا عليه التشيع»

به این شخص بهتان شیعه‌گری زدند و انتقام شیعه‌گری از او گرفتند،

«وماكان يغلو فيه»

اصلاً در تشیع هم شخص غالی نبود.

«بل كان يحب عليا رضی الله عنه وبيغض من قاتله»

بلکه علی (علیه السلام) را دوست داشت و کسانی که با علی قتال کردن را دشمن می‌دانست.

گناه «عبدالرزاق صنعانی» این است. وگرنه او نه شیعه است و نه غلو در شیعه‌گری کرده است. او در ادامه می‌گوید:

«وكان رحمه الله من أوعية العلم»

او اصلاً دریایی از علم بوده است.

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت،

الطبعة: الأولى، ج ١، ص ٣٦٤، ح ٣٥٧

تقاضا دارم عزیزان مخصوصاً جوانان شیعه ما خوب دقت کنند که در مباحث در موارد متعددی به راوی برجسب تشیع می‌زنند و می‌خواهند روایت او را از اعتبار ساقط کنند.

در کتاب «تاریخ الإسلام» اثر آقای «ذهبی» در قسمت حوادث سال ۲۱۱ تا ۲۲۰ هجری وارد شده است:

« قد رحل إلى عبد الرزاق ثقات المسلمين وأئمتهم، وكتبوا عنه، ولم يرو بحديثه بأساً»

عبدالرزاق صنعانی کسی است که ثقات مسلمانان و امام مسلمانان نزد او می‌رفتند و از او حدیث

می‌گرفتند. و هیچ ایرادی به حدیثش نداشتند.

به عبارت دیگر ائمه اهل سنت شاگرد او بودند و از او حدیث می‌گرفتند.

«إلا أنهم نسبوه إلى التشيع»

بعضی افراد نسبت می‌دهند که این شخص شیعه است،

«وقد روى أحاديث فى الفضائل مما لا يوافقہ عليه أحد من الثقات»

او یک سری روایاتی نقل کرده است که ثقات با او موافقتی ندارند،

«فهذا أعظم ما ذموه من روايته لهذه الأحاديث»

بزرگ‌ترین گناه نابخشودنی عبدالرزاق صنعانی این روایاتی است که در فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه

السلام) نسبت به معاویه نقل کرده است،

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار

النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام

تدمری، ج ۱۵، ص ۲۶۴، فصل ۴

از طرف دیگر در کتاب «تهذیب التهذیب» اثر «ابن حجر عسقلانی» جلد ۶ صفحه ۲۸۰ وارد شده است که به نقل

از «ابن معین» می‌گوید:

«لو ارتد عبد الرزاق ما تركنا حديثه»

اگر عبدالرزاق مرتد هم شود، ما به روایات او عمل می‌کنیم.

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار الفكر -

بیروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۶۱۱

این مطالب در کتب علمای اهل سنت بیان شده است، اما از طرف دیگر این شخص نسبت به معاویه روایتی

بیان کرده است و می‌گوید:

« فذكر رجل معاويه لا تقذر مجلسنا بذكر ولد أبي سفيان»

شخصی اسم معاويه را به زبان آورد، عبدالرزاق گفت: مجلس ما را با ذکر نام پسر ابوسفیان نجس نکن.

سير أعلام النبلاء ، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله ، دار النشر : مؤسسة

الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳ ، الطبعة : التاسعة ، تحقیق : شعيب الأرناؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي؛ ج ۹، ص ۵۷۰

گناه «عبدالرزاق صنعانی» همین است! او از اینکه آمده است در برابر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در مورد او می فرماید:

«علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

قرآن با علی است و علی با قرآن است و تا قیامت از هم جدا نمی شوند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب

العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۳۴، ح ۴۶۲۸

دفاع کرده است، به او اتهام شیعه افراطی بودن می زنند!!

راوی بعدی «معمر بن راشد» است که در کتاب «سير أعلام النبلاء» در مورد ایشان هم «ع» آورده است، به

معنای اینکه ایشان هم از رجال صحاح سته است. در مورد او بیان شده است:

«معمر بن راشد * (ع) الامام الحافظ، شيخ الاسلام، أبو عروة بن أبي عمرو الازدی، مولا هم البصری،

نزیل الیمن»

سير أعلام النبلاء ، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله ، دار النشر : مؤسسة

الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳ ، الطبعة : التاسعة ، تحقیق : شعيب الأرناؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي؛ ج ۷، ص ۵

«ذهبی» در مورد این راوی هم «ثقة ثبت فاضل» را بیان کرده است. راوی بعدی «عبدالله بن طاووس» است؛ باز هم در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد ۱۳ صفحه ۳۰۸ وارد شده است:

«ثقة فاضل عابد»

این راوی هم از رجال صحاح سته است. در «سیر أعلام النبلاء» جلد ۱۳ باز هم همین تعبیر را نقل می‌کند؛

«ثقة فقيه فاضل»

آخرین راوی هم که «عبدالله بن عمرو عاص» است که از صحابی است؛ بنابراین سند هیچ مشکلی ندارد و روایت رسول گرامی اسلام که فرموده است: "معاویه بر غیر از ملت من از دنیا می‌رود!" دارای سندی صحیح است. بعضی از افراد ادعا می‌کنند: "این روایات جعلی است، این روایات را ساخته‌اند، اختلافی میان علی و معاویه وجود داشته است!" این حرف‌ها حقیقت ندارد و این شعارها دیگر قدیمی شده است!! زمان اینکه ما بیاییم در شبکه‌ها شعار بدهیم که روایات ضعیف است، روایت جعلی است دیگر گذشته است. شما یک دلیل بیاورید که روایت جعلی است!

چند شب پیش در مناظره‌ای که یکی از کارشناسان وهابی با هم صنف خود انجام می‌داد، روایتی را از کتاب کافی در رابطه با اینکه امیرالمؤمنین در حالی که پیغمبر اکرم را غسل می‌داد به سلمان فرمود: "رسول گرامی اسلام من را در غدیر خم برای امامت نصب کرد!!"

کارشناس وهابی پس از نقل این روایت گفت: "علمای شیعه همگی گفتند که این روایت ضعیف است." ما نمی‌دانیم که علمای شیعه کجا گفتند که ما نتوانستیم پیدا کنیم. اگر واقعاً جایی وجود دارد که علمای شیعه این روایت را ضعیف خوانده‌اند، آدرس این مطلب را به ما هم بدهند تا ما هم ببینیم!!

آن‌ها در مورد «ابراهیم بن هاشم» هم مطالبی گفته‌اند؛ تمام فقهای ما در طول ۱۴ قرن به روایات «ابراهیم بن هاشم» به عنوان حسنه عمل کرده‌اند؛ زیرا ممدوح است!

همچنین می‌گویید: «حماد بن عیسی» ضعیف است؛ درحالی‌که «حماد» از اصحاب اجماع است، یعنی اجماع علمای شیعه و رجالیون بر وثاقت «حماد» وجود دارد!

نه تنها بر وثاقت «حماد» اجماع وجود دارد، بلکه هرکسی که «حماد» از او روایت نقل کند را هم ثقه می‌دانند. من احساس می‌کنم چند دقیقه از وقت بینندگان هم گرفته شد. من در خدمت شما هستم.

مجری:

حضرت استاد متشکرم؛ ان‌شاءالله ما در برنامه بعدی این بحث را ادامه خواهیم داد.

من یک نگاه کوتاه به پیام‌های عزیزان بیننده داشته باشم، بعد ان‌شاءالله به اتاق فرمان برویم و ببینیم که دوستان ما چه میان برنامه‌ای را برای شما انتخاب کردند و بعد از آن هم پاسخگوی سؤالات شما خواهیم بود.

آن چیزی که روال برنامه ما در این مدت بوده است، این است که عزیزان شیعه که روی خط ارتباطی ما می‌آیند، یک اشاره‌ای به اثبات ولایت مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) داشته باشند و از قرآن یا روایات اهل بیت اثبات کنند. عزیزان اهل سنت هم باید به ما پاسخ بدهند که چرا معاویه و یزید را در شهادت امام حسین (علیه السلام) دخیل و سهیم می‌دانند؛ سپس می‌توانند سؤالات خودشان را مطرح کنند.

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

آقا هادی از مشهد مقدس برای ما «لبیک یا حسین» فرستادند و از برنامه، استاد گرامی و «شبکه جهانی ولایت» هم تشکر کردند.

سرکار خانم خادمی از روستای خسروانی سیرجان هم خسته نباشید و خدا قوت گفتند که از این خواهر بزرگوار و همه عزیزانی که در سیرجان و استان کرمان بیننده «شبکه جهانی ولایت» هستند، ممنونیم.

از آقای محمد عباسیان از خمینی شهر یک «یا حسین» به دست ما رسیده است.

آقا قنبر مشتری همیشگی «شبکه جهانی ولایت» از بندر لنگه هم لطف کردند و «یا علی مدد» فرستادند و تشکر کردند.

آقای امیری از مشهد هم برای ما یک دو بیتی فرستادند:

ما مصیبت زده کرب و بلائیم حسین

بال و پر سوخته آل عبایم حسین

بس که خون دل از این دیده ز غم‌های تو رفت

همنشین لب دریای بکایم حسین

از آقای امیری از مشهد هم ممنون و سپاسگذار هستیم.

آقای علی مردانی از همدان هم یک سؤال پرسیدند که اگر فرصت شد ان‌شاءالله سؤال ایشان را هم مطرح خواهیم کرد.

علی آقا از خوزستان هم تشکر کردند و گفتند: "با این همه مدارک مستدل و مستند، وهابیت را رسوا و ناتوان و مخالفان را در فکر عمیق فرو برده اید و این است مکتب اهل بیت (علیهم السلام)!" ایشان همچنین از برنامه‌های ما و «شبکه جهانی ولایت» تشکر کردند.

خیلی از این دست پیام‌ها می‌آید که دوستان به ما لطف و مرحمت و محبت می‌کنند. اگر انتقادی هم هست ما با دل و جان پذیرا هستیم، اگر سؤالی هم دارید با افتخار در خدمت شما خواهیم بود.

این برنامه زنده «حبل‌المتین» از «شبکه جهانی ولایت» است که تقدیم حضور شما می‌شود، ما را تا پایان همراهی بفرمایید و تنها نگذارید.

بر مشام می‌رسد هر لحظه بوی کربلا

بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده

تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

الآن زمزمه‌های سفر کربلا و اربعین از گوشه و کنار به گوش می‌رسد، در کوچه و خیابان مردم حرف از ویزا و سفر کربلا می‌زنند. نمی‌دانم شما عزیز بیننده امسال عازم سفر کربلا هستید یا نه، اما آرزو می‌کنم به حق سیدالشهدا و وجود نازنین شهدای کربلا خداوند همین امسال پیاده روی اربعین را نصیب شما کند.

ما قرار است که سؤالات بینندگان عزیز را پاسخ بدهیم، منتها در بین پیامک‌ها چند مورد پیام به دست ما رسیده است که من در این فاصله از استاد اجازه خواستم و گفتم قبل از اینکه به سراغ تلفن‌ها برویم، در مورد موضوعی که در این شب‌ها شبکه‌های وهابی روی این مسئله مانور می‌دهند صحبت کنیم.

از استاد درخواست می‌کنم که به این شبهه پاسخ بدهند، ضمن اینکه بسیاری از دوستان بیننده هم سؤال پرسیدند و بیان کردند.

استاد به یاد دارم در سال‌های گذشته در یکی از برنامه‌ها در مورد نوع و سبک مداحی‌ها و گفتن برخی از کلمات و عباراتی که برخی از مداحان به کار می‌بردند، مطالبی بیان کردید که مربوط به سال‌های گذشته است.

همان مداحانی که گاهی عباراتی را به کار می‌بردند، بعداً خودشان متوجه شدند. الآن داریم مشاهده می‌کنیم که همان مداحان آن سبک و ادبیات را کنار گذاشتند.

شما در آنجا بیاناتی را داشتید که این افراد سوءاستفاده می‌کنند؛ به ویژه در حال حاضر در ایام عزاداری امام حسین (علیه السلام) دائماً آن کلیپ را پخش می‌کنند و در جاهای مختلف گسترش می‌دهند و مطالبی که شما بیان کردید را به یکی از مداحان نسبت می‌دهند.

وهابیت در شبکه‌های خود کلیپ آن مداح را پخش می‌کنند، سپس فرمایشات شما را در ادامه پخش می‌کنند و می‌خواهند به نوعی شخصیت آن مداح را بکوبند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این قضیه مربوط به الآن نیست، شاید مربوط به دوازده سال قبل در مدرسه فیضیه است. ما آنجا این بحث را مطرح کردیم که در ادامه در «شبکه سلام» مطرح شد و من جواب دادم و در اینجا هم جواب دادم.

افراد زیادی سؤالاتی از مراجع، مخصوصاً حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی داشتند؛ به عنوان مثال نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی در مورد صحبت فلان مداح که می‌گفت: "من حسین اللهی ام تکفیر کو"، "من رضا اللهی ام تکفیر کو" این بود که اگر شما این را به قصد انشاء بیان کنید، من می‌گویم کافر شده‌اید!! منظور از قصد انشاء این است که شخص واقعاً بگوید: "من حسین را الله می‌دانم!"

بنده در آنجا گفتم: قطعاً هیچ‌کدام از مداحانی که این اشعار را می‌خوانند، قصد انشاء ندارند؛ قسم حضرت عباس می‌خوریم که هیچ‌کدام از این مداحان قصد انشاء ندارند.

همین شخصی که می‌گوید: "من حسین اللهی ام"؛ بعد از این مداحی خود نماز می‌خواند و «الله اکبر»، «لا إله إلا

الله» و «أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمداً رسول الله» می‌گوید!!

معلوم است که این افراد قصد انشائی ندارند؛ حال یک روشی وجود داشته است که شاید این روش صحیح نیست و نباید این طور باشد.

مجری:

این مداحی مربوط به سال‌های گذشته است و الآن واقعاً دیگر تغییر کرده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

چه بسا ما که ۴۸ سال است در حوزه هستیم، اشتباهاتی از خود ما هم سر می‌زند. معصومین تنها چهارده نور پاک هستند و بس!

آقایان خودشان نسبت به صحابه می‌گویند: "این افراد معصوم نیستند؛" اگر کسی بگوید فلان آقا این کار و این فعل را انجام داده است، آن‌ها می‌گویند: "این افراد که معصوم نیستند!"

این افراد حتی پیغمبر اکرم را هم معصوم نمی‌دانند و می‌گویند: "پیغمبر اکرم وحی را فراموش می‌کرده است" یا "پیغمبر اکرم قصد خودکشی داشته است!!" این مطالب را با سند صحیح نقل می‌کنند.

حال که پیغمبر اکرم معصوم نبوده است، آیا مداحان ما معصوم هستند؟! آیا کسی که می‌گوید: "من رضا الهی‌ام، تکفیر کو" گناهِش بیشتر است یا کسی که می‌گوید: "خدای عالم می‌تواند هزار خدا همانند خود را بیافریند"؟!

این آقایان معتقدند که اصلاً دیگر قیامتی در کار نیست، خداوند عالم می‌تواند به پیغمبر خود تفنگی بدهد تا او را بکشد. آیا این مطلب کفر است یا حرف فلان مداح که می‌گوید: "من رضا الهی‌ام، تکفیر کو" و بلافاصله هم نماز می‌خواند و عبادت می‌کند؟!

در اینکه این حرف‌ها و مداحی‌ها اشتباه است، در آن شکی نیست و اگر از خود آنان هم سؤال کنید خواهند گفت که این حرف‌ها اشتباه است.

در مورد سوء برداشتی که از صحبت‌های من نسبت به آقای «محمود کریمی» شده است، باید بگویم نود درصد کلیپ‌هایی که در «شبکه جهانی ولایت» پخش می‌شود، از آقای «محمود کریمی» است و این بهترین دلیل بر انکار این ادعا است!

یکی از مداحان در «شبکه امام حسین» در میزگردی که داشتند، در رابطه با قمه‌زنی به یکی از مراجع خودشان جسارت کرد؛ بنده بلافاصله دستور دادم که کسی حق ندارد یک ثانیه از ایشان در «شبکه جهانی ولایت» مداحی پخش کند!

ما کسانی را که منحرف بدانیم، در «شبکه جهانی ولایت» برایشان جایی قائل نیستیم. این شخص تنها یک جمله بی‌ادبانه نسبت به مراجع گفت و ادعا کرد که بعضی از مراجع نمی‌فهمند و فتوایی به حرمت قمه‌زنی صادر می‌کنند.

بنده گفتم: کسی حق ندارد از این شخص یک ثانیه مداحی در «شبکه جهانی ولایت» پخش کند، با اینکه قبل از این مرتب مداحی‌های او را در شبکه پخش می‌کردیم.

مشاهده کنید که ۹۰ درصد کلیپ‌هایی که در «شبکه جهانی ولایت» پخش می‌کنیم از آقای کریمی است. اگر ما نستجیر بالله معتقد باشیم که ایشان با این مطالب کافر شده باشد، آیا از کافر مطلبی را پخش می‌کنیم؟!

شبکه‌های وهابی در برابر ادله محکمی که ما از کتب اهل سنت ارائه می‌دهیم و بررسی سندی می‌کنیم، مستأصل شده‌اند و به این مطالب نمی‌توانند جواب بدهند.

کارشناس و تحلیل‌گر «شبکه بی‌بی‌سی» که ۲۵ سال با پول کلان آنجا بوده است و الآن به اینجا آمده، به دنبال این هست که کلمات ما را بردارد و در کنار کلمات حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی قرار بدهد یا حرفی از ما به آقای «کریمی» نسبت بدهد!

بنده در همانجا از آقازاده آیت الله العظمی وحید خراسانی سؤال کردم: قضیه چیست؟! ایشان گفت: این حرفها دروغ است، اگر راست می‌گویند تصویر این حرفها را بیاورند؛ تقلید صدا که هنر نیست!!

ایشان گفت: مطالبی که این افراد از پدر من پخش می‌کنند، تقلید صدایی بیش نیست؛ نظر ایشان همانی است که در سایت آمده است. در سایت هم وارد شده است که اهانت به اهل سنت خلاف شرع است!

این افراد دیگر هیچ راهی ندارند، الا اینکه بیایند میان بچه شیعه‌ها تفرقه افکنی کنند. بنده در جلساتی که با مداحان هم دارم، به ایشان عرض می‌کنم: "اشعاری که دال بر غلو باشد، نباید استفاده کنید!!"

ما به دوستان دیگر هم توصیه می‌کنیم، اما با همه این توصیه‌ها باز هم می‌بینیم که یک مرتبه یک مداحی جمله‌ای می‌گوید. ما می‌گوییم: "به ایشان تذکر بدهید که اگر دفعه دیگر ایشان رعایت نکند، در اینجا جایی نخواهد داشت!!"

مداحانی که از آنان در «شبکه جهانی ولایت» مطلب پخش می‌کنیم، از جمیع جهات مورد تأیید ما هستند. اگر ایشان یک مرتبه اشتباه کردند، شاید بنده هم چندین مرتبه اشتباه کرده باشم؛ نه ما معصوم هستیم و نه این افراد معصوم هستند!

مجری:

ممنونم؛ «حاج محمود کریمی» هم از بهترین مداحان ایران اسلامی هستند و مردم ایشان را دوست دارند. امسال هیئت ایشان در امامزاده علی اکبر چیدر واقعاً بی‌نظیر بود؛ هرجایی که نگاه می‌کردیم فقط جوانان بودند.

الحمدلله مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) باشکوه برگزار شد. مطالبی در مورد برخی از بزرگواران و مداحان عزیز مربوط به سال‌های قبل است؛ زمانی نکته‌ای را مطرح کردند و خودشان متوجه شدند و قالب اشعار و محتوای مطالب را تغییر دادند.

دشمنان ما به ویژه شبکه‌های وهابی به دنبال نقطه ضعف هستند. آن‌ها برای خود من یک کلیپ درست کردند که زمانی در مورد روایتی اشتباه لفظی داشتم؛ ایشان به این اشتباه آب و تاب دادند و در کنار فرمایشات استاد گذاشتند و گفتند: "این هم نتیجه شاگردی ایشان!!"

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شعری که شما خواندید:

کتاب فضل تو را بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

این مطلب را کلیپ درست کرده‌اند و مرتب پخش می‌کنند؛ این افراد به همین کارها دل خوش کرده‌اند و ما هم می‌گذاریم خوش باشند!!

همان طوری که کفار قریش دلشان خوش بود که ما «حمزه» را کشتیم و جگرش را درآوردیم و تکه تکه کردیم و چند شعر در ذم رسول گرامی اسلام مطرح می‌کنیم، بگذارید وهابیت هم با این کلیپ سازی‌ها دلشان خوش باشد.

مجری:

خدا رو شکر می‌کنیم و افتخار هم می‌کنیم که عشق و ارادت و محبت آقا، مولا و نور چشممان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دل و جان و وجود و رفتار و کلام ما است و آن را با هیچ چیزی در این عالم عوض نمی‌کنیم؛ حتی اگر همه عالم بر علیه ما باشند!!

تماس بینندگان برنامه:

می‌خواهیم برویم تلفن‌های عزیزان بیننده را پاسخ بدهیم. از دو بزرگواری که مدتی هم پشت خط ارتباطی ما بودند، عذرخواهی می‌کنم. غوثی از نقده از برادران اهل سنت ما هستند، آقای غوثی سلام به شما: بیننده (آقای غوثی از نقده - اهل سنت):

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت آیت الله قزوینی و مجری بسیار معتدل و دوست داشتیمان، امیدوارم خسته نباشید و حالتان خوب باشد.

مجری:

سلامت باشید، متشکرم. آقای غوثی در خدمتتان هستیم برادر.

بیننده:

در خصوص همین شعاری که فرمودید و گفتید برادران اهل سنت جواب بدهند؛ در رابطه با امیر معاویه که خودتان بهتر می‌دانید که اهل سنت چه نظری نسبت به ایشان دارند. در مورد یزید هم اگر یک درصد در قتل امام حسین (علیه السلام) دخیل باشد، بحث او جداست و به او لعنت می‌فرستیم؛ من هم به نوبه خودم لعنت می‌فرستم.

مجری:

آقای غوثی برنامه ما را امشب از ابتدا ملاحظه فرمودید؟!

بیننده:

بله، در حد ۵ دقیقه اول را مشاهده نکردم.

مجری:

نظرتان نسبت به منابعی که امشب در مورد معاویه عرض کردیم چیست؟!

بیننده:

ما از علمای خودمان سؤال کردیم در رابطه با معاویه هیچگونه نظر منفی ندارند که من بگویم می‌توانم به این روایات صدق داشته باشم یا نه...

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای غوثی روایاتی که ما خواندیم و از نظر سندی هم بررسی کردیم، از دیدگاه اهل سنت که رسول گرامی اسلام معاویه را لعنت می‌کند و آقای «هیثمی» هم می‌گوید: "روایت صحیح است" چه جوابی در این موارد دارید؟!

بیننده:

سؤال من هم در همین مورد است. پیامبر اکرم با هرکسی که دشمنی داشته است، یا پدر همسر ایشان بوده و یا اینکه رابطه خویشاوندی با هم داشتند.

شاید شما بگویید که در گذشته هم وجود داشته است، اما مغز من در رابطه با صلح امام حسن با معاویه پر شده است. امام حسن چطور توانسته است با یک کافر یا ملعون صلح کند؛ درحالی‌که قدرت داشته است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای غوثی این که جواب نشد؛ پیغمبر اکرم هم با کفار مکه صلح کردند که به نام «صلح حدیبیه» مشهور شد.

بیننده:

ایشان قدرت نداشتند!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

امام حسن (علیه السلام) قدرت داشتند؟!

بیننده:

بله، صد هزار نفر نیروی مسلح داشتند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همه در حقشان خیانت کردند!

بیننده:

همان را می‌گویم؛ ایشان امیر معاویه را برگزیدند و گفتند: ایشان می‌توانند این نهضت را رهبری کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شما اگر یک مورد پیدا کردید که امام حسن (علیه السلام) گفته باشد معاویه می‌تواند نهضت را بهتر رهبری کند،

بنده اینجا از معاویه این شجره معلونه در قرآن با تجلیل یاد می‌کنم.

بیننده:

این صلحشان تنها در یک رابطه فسخ شده است و آن هم زمانی است که یزید را جانشین خودش کرده است.
درست است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیز من اصلاً صلح امام حسن با معاویه تحمیلی است! او شرط کرده بود شیعیان را نکشد، اما «حجر بن عدی» را کشت. او همچنین «محمد بن اُبی بکر» که برادر عایشه است را هم کشت. «سعد بن اُبی وقاص» را چه کسی کشت؟!

بیننده:

حاج آقا این شخص فتوحات زیادی هم داشته است و به اسلام هم خدمت کرده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگوار من بحث سر خدمات معاویه نیست، بلکه بحث سر این است که در رابطه با آیه قرآن کریم شجره ملعونه در قرآن کریم تمام اهل سنت اتفاق نظر دارند که مراد از شجره ملعونه در قرآن بنی امیه هستند.

بیننده:

همه بنی امیه را هم شامل نمی‌شود؛ «ابوسفیان» چه نسبتی با پیغمبر اکرم داشتند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

«ابولهب» و «ابوجهل» هم عموی پیغمبر اکرم بودند.

بیننده:

درست است، من همین را می‌خواهم بگویم. این افراد شجره ملعونه بودند و همانند یک درخت بودند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شجره ملعونه به معنای درختی است که خداوند آنان را لعنت کرده است.

بیننده:

حاج آقا ما نمی‌توانیم بگوییم که همه آنان را لعنت کرده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آیا شما می‌توانید بگویید در این آیه شریفه:

(وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ)

همچنین شجره‌ای که در قرآن لعن شده که تخویفشان می‌کنیم،

سوره اسراء (۱۷): آیه ۶۰

استثناء هم شده است یانه؟!

بیننده:

یعنی قبل از اینکه این افراد سر کار بیایند خداوند متعال فرموده که این افراد ملعون هستند و پیغمبر اکرم به

این افراد اعتماد کرده است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیز من قرآن این مطالب را بیان کرده است. برادر من! ما برای عزیزان اهل سنت احترام ویژه قائل هستیم،

مخصوصاً جناب آقای غوثی عزیز که مقداری بیشتر از دیگران به ایشان ارادت داریم.

بیننده:

ما «شبكة جهانی ولایت» را شبکه خودمان می‌دانیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیز من در کتاب «عمدة القاری شرح صحیح البخاری» اثر «بدرالدین عینی» است. در جلد نوزدهم این کتاب وارد شده است:

«رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَنِي أُمِيَّةٍ يَنْزُونَ عَلَى مَنْبَرِهِ نَزْوِ الْقِرْدَةِ فَسَاءَ ذَلِكَ، فَمَا اسْتَجْمَعَ ضَاحِكًا حَتَّى مَاتَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: {وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا { الْآيَةَ»

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۱۹، ص ۳۰، ح ۶۱۷۴

بیننده:

حاج آقا مشخصات همین روایت را برای من بگوئید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

«عمدة القاری شرح صحیح البخاری» جلد نوزدهم صفحه ۳۰.

بیننده:

به شما قول می‌دهم که اگر این روایت صحیح باشد، من اعتراف می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همچنین در کتاب «تفسیر» اثر آقای «قرطبی» صفحه ۲۸۳ ذیل همین آیه این مطلب را نقل می‌کند.

همچنین در کتاب «تفسیر روح المعانی» یا «تفسیر آلوسی» جلد هشتم صفحه ۱۰۲ همین روایت وارد شده است. او در ادامه در مورد این روایت توضیح می‌دهد و می‌گوید:

«أو للشجرة باعتبار أن المراد بها بنو أمية»

مراد از شجره ملعونه بنی امیه هستند،

«ولعنهم لما صدر منهم من استباحة الدماء المعصومة والفروج المحصنة وأخذ الأموال من غير حلها
ومنع الحقوق عن أهلها»

علت اینکه خداوند متعال بنی امیه را لعنت کرده است، این است که این افراد خون‌های معصومین را ریختند و به نوامیس محترم بی‌احترامی کردند و اموال مردم را به زور غارت کردند و حقوق معصومین را پایمال کردند.

به جهت این موارد خداوند متعال این افراد را مورد لعن قرار داده است، سپس در ادامه می‌گوید:

«وجاء لعنهم في القرآن إما على الخصوص كما زعمته الشيعة أو على العموم»

لعن بر این افراد یا شامل لعن خصوصی است که شیعه بر این قائل است و یا لعن عمومی که ما اهل سنت هم قائل هستیم.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، المؤلف: شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی
الألوسی (المتوفى: ۱۲۷۰ هـ)، المحقق: علی عبد الباری عطیة، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى،

۱۴۱۵ هـ، ج ۸، ص ۱۰۲، باب سورة الإسراء (۱۷)

خداوند اموات شما را بیامرزد، ان شاء الله حضرتعالی این برنامه را ملاحظه بفرمایید و به این روایاتی که ما از عزیزان اهل سنت از جمله «عبدالرزاق صنعانی» که استاد «بخاری» هستند، آوردیم، دقت کنید.

همچنین ما قضیه لعن ابوسفیان، لعن معاویه و لعن یزید پسر ابوسفیان را آوردیم که این افراد همگی از اهل سنت آوردیم و تک تک بررسی سندی کردیم.

شما بزرگواری کنید تکرار برنامه را ببینید و این مطالب را یادداشت کنید؛ شاید فرداشب یا پس فرداشب کلیه مطالبی که من گفتم پیاده شده و تایپ شده روی «سایت مؤسسه ولی عصر» و سایت «شبکه جهانی ولایت» قرار بگیرد.

شما می‌توانید به آقازاده‌هایی که اینترنت دارند بگویید پرینت این مطالب را برای شما تهیه کنند و شما این مطالب را خدمت علمای بزرگوار نرده ببرید و از قول ما هم سلام گرم به آنان برسانید و از طرف ما هم پیشانی آنان را ببوسید.

از قول ما به این بزرگواران بگویید اگر در مورد این مطالبی که آوردیم انتقادی دارند، شما بزرگواری کنید و به ما پیامک بدهید یا این افراد مطالب را بنویسند و شما روی خط تشریف بیاورید و این مطالب را بخوانید تا تمام مردم ببینند و بشنوند، ما هم استفاده می‌کنیم.

ما اگر دیدیم اشتباه کردیم، به اشتباهمان اعتراف می‌کنیم. اعتراف به اشتباه که دیگر گناه نیست؛ بلکه اصرار بر اشتباه گناه است. ما در خدمت آقای غوثی هستیم.

مجری:

آقای غوثی از شما ممنونم و ان شاءالله خداوند نگهدار شما باشد. اگر تکرار برنامه را ملاحظه بفرمایید، بحث لعن پیامبر و هم کفر معاویه که توسط پیامبر اکرم بیان شده است را عنایت بفرمایید.

در برنامه امشب به احادیث همراه با سند و مدرک و بررسی سندی پرداخته شد؛ ضمن اینکه صوت برنامه هم با فاصله ۲۴ ساعت روی کانال تلگرامی «شبکه جهانی ولایت» قرار داده می‌شود تا شما از این طریق هم استفاده کنید.

بیننده بعدی ما بازهم از برادران اهل سنت هستند. آقا علیرضا از ایرانشهر سلام به شما:

بیننده (آقا علیرضا از ایرانشهر - اهل سنت):

عرض سلام و احترام خدمت استاد محترم و آقای اسماعیلی. جناب اسماعیلی بنده اکثریت فامیل و خویشاوندانم از اهل تسنن و حتی عده‌ای سلفی و وهابی هم هستند. الحمدلله بنده جزو متمسکین به ولایت مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هستم.

من نمی‌خواستم زنگ بزنم، اما موردی را به من نشان دادند که واقعاً برای من جالب بود. می‌خواستم شما هم شنیده باشید.

بنده قبل از جریانات سوریه به زیارت «حجر بن عدی (سلام الله علیه)» رفته بودم که روی قبر ایشان نوشته بود:

"هذا قبر صحابی جلیل القدر حجر بن عدی (رضی الله عنه) قتل بید المعاویة (رضی الله عنه) بدم العثمان"

برای من جالب بود که قاتل و مقتول هر دو (رضی الله عنه) هستند. صحبت خاصی ندارم، فقط می‌خواستم همین مطلب را بپرسم که چطور می‌شود که هم قاتل و هم مقتول هر دو (رضی الله عنه) باشند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

واقعاً پیام زیبایی بود! خداوند جزای خیر به شما عنایت کند.

مجری:

آقا علیرضا از شما ممنونم، ان شاءالله که موفق باشید، از شما تشکر می‌کنم. اجازه بدهید یکی از سؤالات پیامکی که دوستان برای ما فرستاده بودند را هم بخوانیم، زیرا خود ما می‌گوییم که به صورت پیامکی هم می‌توانید سؤالات خودتان را برای ما بفرستید.

وقتی با نفرین پیغمبر اکرم، شکم معاویه هرگز سیر نشد!!

استاد آقای علی مردانی از همدان گفتند: آیا پیامبر به معاویه فرمودند که خداوند هرگز شکم تو را سیر نگرداند؟! این جمله از فضیلت است؟! بعضی از عزیزان اهل سنت این جمله را فضیلت به حساب می‌آورند!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در مورد این روایت به طور مفصل صحبت خواهیم کرد.

«لَا أَشْبِعُ اللَّهُ بَطْنَهُ»

مجری:

اگر امکان دارد فعلاً یک اشاره کوتاه به صورت شفاهی بگویید تا بعداً مدارک و اسناد آن را بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای «ذهبی» این قضیه را به طور مفصل بیان می‌کند. این قضیه در کتاب «صحیح مسلم» بیان شده است.

«لَا أَشْبِعُ اللَّهُ بَطْنَهُ»

در این ماجرا رسول گرامی اسلام سه مرتبه افرادی را به دنبال معاویه فرستادند و معاویه گفت: "من در حال غذا خوردن هستم!" به عبارت دیگر او برای حرف پیغمبر اکرم ارزشی قائل نشد!! ایشان می‌گوید:

«وقال اذْهَبْ وَاذْعُ لِي مُعَاوِيَةَ قَالَ فَجِئْتُ فَقُلْتُ هُوَ يَأْكُلُ قَالَ ثُمَّ قَالَ لِي اذْهَبْ فَادْعُ لِي مُعَاوِيَةَ قَالَ فَجِئْتُ فَقُلْتُ هُوَ يَأْكُلُ»

سه مرتبه رفتم و مشاهده کردم که او در حال غذا خوردن است و گفت بگذار غذایم تمام بشود بعداً بیایم.

«فقال لا أشبع الله بطنه»

پیغمبر اکرم فرمودند: خداوند عالم هرگز شکم او را سیر نکند.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴، ص ۲۰۱۰، ح ۲۶۰۴

همچنین در کتاب «سیر أعلام النبلاء» ایشان می‌گوید:

«فما شبع بعدها»

او هرچه می‌خورد، هرگز سیر نمی‌شد.

او می‌گفت: "شکمم در حال ترکیدن است، ولی سیر نمی‌شوم!" او در اثر بزرگی شکم هم خطبه نماز جمعه را نشسته خواند.

اولین کسی که نتوانست بلند شود و خطبه نماز جمعه را بخواند، ایشان بوده است. جالب است که آقای «ذهبی» می‌گوید:

«فسره بعض المحبين قال: لا أشبع الله بطنه»

بعضی از دوستداران معاویه گفتند که این نفرین پیغمبر اکرم فضیلتی است،

«حتی لا یكون ممن یجوع یوم القیامة»

تا فردای قیامت گرسنه نشود،

«لان الخبر عنه أنه قال: " أطول الناس شبعا فی الدنيا أطولهم جوعا یوم القیامة»

زیرا پیغمبر اکرم فرمودند: کسانی که در دنیا زیاد می‌خورند، فردای قیامت گرسنه هستند.

بعضی از افراد خواستند این روایت را فضیلتی برای معاویه حساب کنند. آن‌ها معتقدند: اینکه خداوند گفته

شکمش را خدا سیر نکند، زیرا کسانی که شکم سیر دارند و پرخور هستند فردای قیامت گرسنه هستند. خداوند

عالم معاویه را مورد عنایت قرار بدهد و شکم او سیر نشود تا فردای قیامت گرسنه نباشد!!

«قلت: هذا ما صح، والتأویل رکیک،»

ذهبی می‌گوید: ما این روایت را صحیح می‌دانیم، اما طرفداران معاویه تأویل رکیکی کردند،

«وأشبه منه قوله علیه السلام: " اللهم من سبته أو شتمته من الامة فاجعلها له رحمة " أو كما قال»

از آن رکیک‌تر این است که گفتند پیغمبر اکرم فرمودند: خدایا من به هرکسی فحش دادم و ناسزا

گفتم، ناسزای من و فحش من را رحمت قرار بده.

پیغمبر اکرم از طرفی می‌فرماید: مؤمن فحش نمی‌دهد و از طرفی دیگر خودشان فحش می‌دهد؛ از طرف دیگر

هم می‌فرماید: من به هرکسی فحش دادم یا لعنت کردم، خدایا لعنت و سب و شتم من را رحمت و برکت قرار

بده!!

جالب است که ما یک روزی منزل آقای پروفیسور غامدی بودیم؛ بعد از افطاری تعدادی از دانشجویان و

آقازاده‌های ایشان هم نشسته بودند.

زمانی که من همین بحث لعن معاویه را آوردم، ایشان گفت: ما روایت داریم که پیغمبر اکرم فرمودند: من به هرکسی که لعنت کردم و ناسزا گفتم، لعنت و سب من را رحمت قرار بده!!

من گفتم: آقای دکتر پیغمبر اکرم که فرمودند خداوند کسانی که ربا می‌خورند را لعنت کند، بنابراین ربا خوردن رحمت و برکت است؟! خداوند عالم به پیغمبر اکرم فرمودند: رشوه دهنده، رشوه گیرنده و واسطه را لعنت کند.

بنابراین کسی که رشوه بدهد، رشوه بگیرد و واسطه باشد مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرد؟! رسول گرامی اسلام افراد زناکار را لعنت کرده است؛ ما تقریباً ۳۶۰ مورد در خصوص لعنت پیغمبر اکرم نسبت به افراد یا گروه‌ها داریم که بنابراین باید این گروه‌ها مورد رحمت قرار بگیرند! دانشجویان خندیدند و این بنده خدا هم خجالت کشید و سرش را پایین انداخت.

مشاهده کنید که ذهبی در ادامه می‌گوید:

«وقد كان معاوية معدودا من الكلة»

معاویه جزو پرخورهای تاریخ اسلام بوده است.

سیر أعلام النبلاء ، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله ، دار النشر : مؤسسة

الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳ ، الطبعة : التاسعة ، تحقیق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعیم العرقسوسی؛ ج ۳، ص

۱۲۳، باب ۲۵ - معاوية بن أبي سفيان

نظر ما این بود که این روایت را بعدها به طور مفصل خدمت عزیزان مطرح کنیم. ما قول می‌دهیم که این موضوع و همچنین قضیه‌ای که آیا لعن پیغمبر اکرم رحمت هست یا نیست، را مفصلاً بحث خواهیم کرد.

مجری:

جناب استاد از شما خیلی متشکرم. فرصت ما تمام شده است؛ من فقط چندتا از پیام‌های عزیزان بیننده را بخوانم که لطف و مهربانی کردند و برای ما پیام فرستادند.

بخشی از پیام‌های بینندگان برنامه:

(۸۱۱۰-۰۹۱۵): خدا رو شکر که خداوند دشمنان ما را از احمق‌ها آفرید؛ آقای علی اسماعیلی فقط یک کلمه بگویم: یا علی!

یا علی گفتن‌های ما از عشق و ارادت و محبت ماست و به ما انرژی و معنویت می‌دهد. به واسطه همین یا علی گفتن ان‌شاءالله رفتار و کردارمان هم با مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تطابق داشته باشد.

آقای امیری از بابل گفتند: وعده دیدار ما اربعین حسینی، پیاده از نجف تا کربلا. آقای امیری دل ما را بردید، ان‌شاءالله نصیب همه شود؛ مخصوصاً کسانی که آرزومند کربلا هستند.

احمد حسن‌زاده از خراسان شمالی، بجنورد، روستای چارچوبه سلام فرستادند و تشکر کردند که از ایشان ممنونیم.

نازنین زهرای رهبری ۶ ساله از شهر رضا لیبیک یا حسین فرستادند. نازنین زهرا همین‌طور با شبکه ما کم‌کم بزرگ می‌شود؛ ان‌شاءالله خداوند متعال او و پدر و مادر او را حفظ کند.

آقای حسین شجاعی از کرمان لیبیک یا حسین فرستادند و گفتند: برای شادی روح شهدای کربلا صلوات بفرستیم.

خواهر بزرگوارمان خانم رضایی از زابل گفتند: با تشکر از برنامه خوبتان، چند سال است که من و همسرم هر شب بیننده برنامه شما هستیم.

خواهر بزرگوار از شما ممنونم، خداوند به شما و همسر محترمتان جزای خیر بدهد و ان شاءالله زندگی‌تان پر از نور معنویت باشد و فرزندان سالم و صالح و شایسته به شما عنایت کند. حسین ملکی از شهر مقدس قم از دیار خودمان هم سلام و تشکر فرستادند.

از همه شما ممنون و سپاس گذار هستم که لطف و بزرگواری کردید و پیام فرستادید؛ فرصت نبود که همه پیام‌های شما را بخوانم. حضرت استاد دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را به آبروی محمد و آل محمد و به آبروی سیدالشهدا و اهل بیت گرامی و داغدارشان به ویژه به آبروی زینب کبری این کوه صبر و استقامت و بردباری و شجاعت قسم می‌دهیم فرج مولای ما امام زمان را نزدیک بگردان.

خدایا تو را به قلب شکسته عمه سادات حضرت زینب کبری قسم می‌دهیم از باقیمانده غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صرف نظر فرما و مقدمات ظهور آن بزرگوار را سریعاً فراهم گردان، ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده.

خدایا به قلب سوزان زینب کبری رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما؛ مخصوصاً عزیزان ما در عراق، سوریه، بحرین، یمن و جای جای کشورهای اسلامی و غیراسلامی گرفتارند، به آبروی زینب کبری از همه آنان رفع گرفتاری بنما.

خدایا به آبروی زینب کبری به مجاهدین ما در سوریه و عراق و یمن یا در جاهای دیگر که با کفر جهانی و نفاق و وهابیت تکفیری در حال مبارزه هستند، به احترام زینب کبری نصرت نهایی نصیب آنان بگردان.

خدایا به آبروی زینب کبری برای همیشه ریشه وهابیت از صفحه گیتی برافکن.

خدایا به آبروی زینب کبری حوائج ما، حوائج بینندگان برنامه، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»
مخصوصاً عزیزان ولایت یاور را برآورده نما، دعاهاى ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

مجری:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

تشکر و سپاس از توجه و عنایت و نگاههای مهربان شما، زیرا سایه مرتضی علی باشید.

یا علی مدد، خدانگهدار